

نگارخانه: دهه ۶۰ ایران تجربه انقلاب

پنیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان رویارویی نظامی ایران با عراق نخستین برزخ دیدگاهی بود که بار دیگر پس از گذشت ده سال مطرح شد و آرام آرام جای خویش را با عناوینی همچون «واقع بینی» و «میانه روی» در فضای اجتماعی و فرهنگی کشور باز کرد. اما به همان صورت که دیدگاه انقلابی، فقط پس از آزمون‌هایی نظیر اشغال سفارت آمریکا، مسج مردمی برای جنگ، رویارویی‌های مسلحانه در داخل کشور و سرانجام وقایع اسفبار کشتار ایرانیان در مکه، آبدیده گردید و بمنزله سیاستی فراگیر پیگیری شد. دیدگاه جدید نیز نیازمند تجارسی بود تا به میثاق آنها خود را همانند سیاست پیشین عرضه کند. ظهور ارتش و انقلاب اسلامی در دهه ۶۰-۵۷ از کشور مهاجرت کرده بودند، از اولین این تجارب است و از همین منظر دارای اهمیت.

رتال جامع علوم انسانی

با پایان جنگ، بازسازی کشور و سرو سامان دادن به اقتصاد آن، اولویت غیر قابل انکاری را در برنامه‌های اجتماعی و سیاسی پیدا کرد. طبق ارقامی که از طرف دولت به نمایندگان سازمان ملل ارائه شده، خسارت جنگ بر هزار میلیارد دلار بالغ می‌شد و روشن بود که مرمت خرابی‌ها و راه‌اندازی جرخ تولید تنها با اتکا به سرمایه‌های داخلی اگر هم ممکن باشد، طولانی و رنج‌آور و متضمن تحمل سختی‌هایی خواهد بود که توجیه آن مشکل است. در واقع دولت نیز از سویی در فکر آزادسازی بخشی از سرمایه‌های خود از قید یارانه، یعنی اتخاذ سیاست تعدیل، بود و از سوی دیگر به دنبال جلب سرمایه‌های خصوصی به بخش تولید. در عین حال بر کسی پوشیده نبود که موفقیت این هر دو

سیاست اقتصادی، دست کم در دوره ای، به افزایش هزینه زندگی و همچنین بیکاری در جامعه می انجامد و حتی اگر در بلند مدت به نتیجه های مطلوب می رسید، در کوتاه مدت توانایی پاسخگویی به نیازهای عاجل کشور به سرمایه گذاری را نداشت. از این رو منطقی بود که مجموعه این پیش بینی ها، دولت را به فکر جلب سرمایه های بیندازد تا این نیاز عاجل را برآورد. جلب سرمایه گذاری خارجی و دعوت از سرمایه داران ایرانی خارج از کشور برای سرمایه گذاری در ایران، از جمله برنامه هایی بودند که در این جهت مطرح شدند. برای جلب سرمایه های خارجی دولت سعی کرد با برگزاری سمینارهای بین المللی در زمینه نفت و گاز و معادن و فلزات، کشورهای خارجی را به سرمایه گذاری در ایران تشویق کند. پس از گذشت یک قرن از آغاز صنعتی شدن کشور، ثروت های زیرزمینی آن هنوز بهترین مشوق برای جلب سرمایه های خارجی تشخیص داده شد. هر چند برگزاری این سمینارها مجادلاتی را در مطبوعات کشور دامن زد، اما ابعاد آن به هیچ وجه به گستردگی بحث هایی نبود که دعوت از سرمایه ها و سرمایه داران ایرانی مقیم خارج از کشور باعث شد.

قدم اولی که برای دعوت از سرمایه داران و ثروتمندان ایرانی خارج از کشور برای سرمایه گذاری در ایران برداشته شد، دعوت از تجار ایرانی مقیم خارج از کشور به شرکت در جلسه ای بود به حضور نوربخش، عادل و خرازی یعنی به ترتیب وزیر اقتصاد و دارایی، رئیس بانک مرکزی و نماینده دائمی ایران در سازمان ملل که در روزهای پنج شنبه و جمعه ۱۲ و ۱۳ اردیبهشت ۱۳۷۰ برگزار شد. استقبال بی سابقه سرمایه داران ایرانی از این دعوت، یعنی حضور بیش از ۶۰۰ نفر در این جلسه و پرسش هایی که پیرامون امنیت جانی و مالی برای بازگشت و سرمایه گذاری در ایران مطرح شد، نشان دهنده امکانات زیاد این برنامه برای دستیابی به اهدافش بود. تدارک این برنامه هر چند در اول چشم مطبوعات داخلی انجام گرفت. بطوری که تا هفته ها بعد از این دعوت و علیرغم اهمیت سیاسی مذاکراتی که بین مسئولان دولتی و شرکت کنندگان در این جلسه در جریان آمد؛ رادیوهای خارجی یگانه منبع اطلاع گیری از مواقع بودند. آنچه از همین معدود گزارش ها برمی آید، این مطلب است که نگرانی اصلی تجار ایرانی خارج از کشور برای آوردن سرمایه های خود به

ایران، نگرانی سیاسی است و تمامی هم مسئولانی که از جانب دولت این برنامه را تدارک دیده اند، رفیع آن نگرانی. صحبت کمتر بر سر نوع سرمایه گذاری بود و رشته های مورد نیاز. هر چند ارقامی دال بر میانگین سود سرمایه گذاری در ایران، ارائه شد، اما به عنوان مثال پرسشی در مورد تضمین های لازم برای خروج اصل یا سود سرمایه به میان نیامد. یعنی، اولین سوالی که یک سرمایه دار خارجی برای انتقال سرمایه اش به کشوری مطرح می کند. به این ترتیب روشن بود که منطلق حاکم بر جلسه،

پس از دو ماه و
انندی بحث
روشن شد که
نه عملکرد
اقتصادی
سرمایه داران
ایرانی خارج از
کشور از
همتاها
داخلی شان قابل
تشخیص است
و نه روند
تشکیل
سرمایه هایشان.

منطق بازگشت به وطن بود و نه تشویق یک خارجی به سرمایه‌گذاری در کشوری بیگانه. ضمانت‌هایی که خواسته شد، اکثرآ سیاسی بودند نه مالی. به همین جهت نیز بود که وزیر اقتصاد و دارایی لازم دید یادآوری کند که «اگر می‌خواهید بیاید خودتان از نزدیک ببینید، ما گارانتی می‌کنیم که رفت و آمدتان هیچ اشکالی نداشته باشد»^۲. رئیس بانک مرکزی نیز یادآور شد که «۲۷ هزار نفر به علت بدهی‌های بانکی از سوی بانک مرکزی ممنوع الخروج بودند که احکام ممنوع الخروج بودن تمامی این افراد لغو شده، تا این اقدام باعث منع حضور افراد در ایران نشود»^۳.

هر چند عکس‌العمل نیروهای سیاسی حاکم بر مجلس سوم در مقابل این دعوت، دور از انتظار نبود اما ابعاد آن و نوع بحث‌هایی که پیش آمد، این موضوع را به یکی از مباحث مهم روز در بحبوحه انتخابات مجلس چهارم، تبدیل کرد؛ روزنامه سلام که درست در این دوران انتشار منظم و روزانه خود را آغاز کرد و به عنوان سخنگوی اکثریت مجلس سوم وارد میدان سیاست شد، علاوه بر انتشار مقالاتی کوتاه و نامه‌هایی از خوانندگان در این زمینه، سلسله مقالاتی را نیز تحت عنوان «به بهانه دعوت از سرمایه‌داران فراری» به این موضوع اختصاص داد. در آغاز امر، سلام و کسانی که این تریبون را برای ابراز نظر خویش انتخاب کرده بودند، بازگشت سرمایه‌داران مقیم خارج را مرادف بازپرداختن اموال مصادره شده می‌دانستند و معترضی این امر بودند که «چرا باید امکانات و تسهیلات و امتیازات را برای عده‌ای قلیلی فراهم کرد که... با بازگشت آنان منفعت سرمایه‌هایی که اصالت آنها متعلق به مردم ایران است، مجدداً به جیب همان سرمایه‌داران سرازیر شود؟»^۴. به نظر این افراد، دعوت از ایرانیان خارج‌زمینی گرهی از مشکلات نظام و انقلاب باز می‌گردد که مبتنی بر اعتقادات و ارزش‌های اسلامی باشد.^۵ جامعه روحانیون مبارز نیز بر این نظر بود که دعوت از سرمایه‌داران ایرانی خارج از کشور، رنجش خاطر و بی‌زاری «متخصصان و متفکران و صاحبان امکانات داخلی را که در دوران سختی نیز جامعه و کشور را طیان نگاه داشته‌اند»^۶، سبب خواهد شد. به عبارت دیگر برای آنان تصور اینکه بتوان «مستشاران، شهود و مصادره‌کننده‌ها و ادوآ آن‌ها را از ارضی نگاه داشت، مشکل بود. پس همان بهتر که «تلاش برای جذب توان‌ها و تخصص‌ها متوجه نیروهای ارزنده‌ای باشد که بحمدالله در ایران حضور داشته‌اند»^۷. به نظر سلام همین بستگی این سرمایه‌داران و نیروهای انقلابی ناممکن بود، زیرا این سرمایه‌داران پیوندهایی با حکومت سلطنتی داشتند و به همین اعتبار، دشمنی فطری با نیروهای انقلابی. بر این اساس بود که سلام سناریویی را متصور شد که پرده اول آن بازگشت سرمایه‌داران بود و پرده‌های بعدی به ترتیب عبارت بودند از ۱- برقراری پیوند این سرمایه‌داران با «بافت‌هایی که در رژیم گذشته صاحب نفوذ و اقتدار بودند و... هنوز هم تا حد زیادی دست‌نخورده باقیمانده است» و از این طریق «ایجاد قطب سیاسی جدیدی» در کشور، ۲- بدست گرفتن قوه مقننه با توجه به این «پایگاه سیاسی - اجتماعی» و نیز «با داشتن ابزار برنده پول و اقتصاد»، و سرانجام، ۳- «تعلیم مدیران دولتی نفوذ بر دولت» که نتیجه آن این خواهد بود که «آرام آرام انقلاب

به دست نامحرمان و نااهلان بیفتد»^۸. به همین جهت بود که سلام «سرمایه گذاران خارجی امثال ژاپنی و کره‌ای و آلمانی» را به ایرانیان ترجیح می‌داد زیرا حتی اگر وجود آنها را هم بی‌خطر نمی‌دانست و حضورشان را «مجرای جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات و اخبار برای سرویس‌های امپریالیستی» ولی به نظرش می‌آمد که «کنترل اینها بمراتب آسانتر خواهد بود»^۹. سلام برای اثبات ادعای خود مبنی بر پیوند این افراد با حکومت سلطنتی، اقدام به انتشار ارقامی کرد که نشان‌دهنده استفاده سرمایه‌داران رژیم سابق از اهرم‌های دولتی و مؤسسات مالی کشور برای تسلط بر اقتصاد کشور و منتفع شدن از سودهای کلان بود^{۱۰}. اما نه انتفاع از سودهای کلان و نه دسترسی به امکانات ویژه، امری نبود که بتوان آن را مختص یک دوران و یک گروه به شمار آورد. سلام خود یادآور می‌شود که «بخشی از سرمایه‌داران سنتی و تجاری با اعلام حمایت از رهبر انقلاب و پیوستن به صفوف مردم ایران از جایگاه خاصی برخوردار شدند»^{۱۱}. سلام همچنین اذعان داشت که «افراد سرشناس این بخش به گردهم آمده و با ایجاد تشکیلاتی همچون سازمان اقتصاد اسلامی، انجمن اسلامی اصناف بازار تهران، سازمان خدمات اسلامی، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و همچنین کمیته امور صنفی و نظایر آن در خفا و در آشکار در بسیاری از جهت‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی کشور نقش عمده‌ای ایفا می‌

پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 نشریات جامع علوم انسانی

نمایند و حتی چندین بار در زمان دولت مهندس موسوی و در مخالفت با سیاست‌های اقتصادی وی، سبب تعطیل بازار^{۱۲} شدند. به این ترتیب روشن بود که تشکیل گروه‌های سیاسی که با تکیه بر بافت‌های اجتماعی و اقتصادی به ارث رسیده از رژیم گذشته، بر مجلس و دولت تأثیر بگذارند، امری نبود که با بازگشت سرمایه‌داران ایرانی خارج از کشور باب گردد. همین وحدت رویه را سلام در نوع و شیوه استفاده از سرمایه نیز صادق می‌دانست؛ سرمایه‌دارانی هستند که در بخش واسطه‌گری و دلالتی و نظایر آن فعالیت داشته‌اند و با فرصت‌طلبی، دلالتی، احتکار و گرانفروشی و فعالیت‌های غیر مفید و غیر اقتصادی نظیر خرید و فروش ارز، سکه، اشیاء عتیقه به قدرت رسیدند و نه تنها اموالشان مصادره نشد، بلکه قرب و منزلتی هم یافتند^{۱۳}. بدین ترتیب پس از دو ماه و اندی بحث بر سر بازگشت سرمایه‌داران ایرانی خارج از کشور، روشن شد که نه عملکرد اقتصادی این سرمایه‌داران از همتهای داخلی‌شان قابل تشخیص است و نه روند تشکیل سرمایه‌هایشان. به این اعتبار، منطق استدلال‌های جناح اکثریت مجلس سوم به آنها حکم می‌کرد بر پایه‌ای را پیش بکشند که با این هر دو گروه به یکسان برخورد کند. یعنی یا برنامه‌ای برای مقابله با عقبه اقتصادی و سیاسی هر دو گروه، که این، همان خط و مشی دولت موسوی بود و یا برنامه‌ای برای تقویت سیاسی اقشار و طبقات ضعیف‌تر جامعه، تا این اقتدار بتواند خود را از تبعات برنامه اقتصادی ای که چشم‌انداز آن آشکارا قابل رؤیت بود، حفاظت کنند. ادامه برنامه دولت موسوی ناممکن بود و همین عدم امکان، دلیل اصلی انزوای جناح اکثریت مجلس سوم در صحنه سیاسی. موفقیت راه دوم منوط بود به بسیج تمامی توان‌های دموکراتیک جامعه و لزوم ایجاد تغییراتی اساسی در زمینه دیدگاه‌ها، ائتلاف‌ها و اتحادها. جناح اکثریت مجلس سوم از تدوین یک چنین برنامه‌ای عاجز ماند^{۱۴} و بدین ترتیب مخالفت وی با دعوت از سرمایه‌داران خارجی به بازگویی نگرانی‌هایی تبدیل شد در قطع سخنانی چون «اگر آنها باز گردند باید از خیلی طولی ارزش‌ها کوتاه بیایم»^{۱۵} یا اینکه «دعوت و ورود سرمایه‌داران اگر متأثر از عقاید آمریکایی باشد به انقلاب لعنه وارد نخواهد ساخت»^{۱۶}. عده‌ای حتی بر این نظر بودند که «به صرف یک ملاقات [نست نیویورک]... امروزه بدحجابی، فساد و ناهنجاری»^{۱۷} در جامعه قابل رؤیت است.

بدین ترتیب، جناح اکثریت مجلس سوم بدون آنکه راه حلی برای نیاز کشور به سرمایه (اعم از داخلی و خارجی) ارائه دهد و یا اینکه برنامه‌ای را پیش بکشد که نیروهای کار جامعه، از رویکرد آشکار دولت به سرمایه، تا حدی مصون بمانند، به این کتفا کرد که از این موضوع همچون شعار سیاسی در انتخابات مجلس چهارم سود، جوید. شعارهای که همانطور که خواهیم دید، بیشتر به درد

**شعار مخالفت
با بازگشت
سرمایه‌داران به
درد جناحی که
در انتخابات
مجلس چهارم
پیروز شد،
خورد تا با فشار
بر دولت سهم
بیشتری از
قدرت، را نصیب
خویش سازد.**

جناح تازه نفسی خورد که در انتخابات مجلس چهارم پیروز شد؛ جناحی که با پیگیری این مبحث، سعی کرد دولت را برای اخذ سهم بیشتری از قدرت، تحت فشار قرار دهد. این شعارها هر چند تأثیرات خویش را بر برنامه‌های دولت گذاشت، اما نه گرهی از نیاز اصلی اقتصادی کشور گشود و نه افق جدیدی را در فضای سیاسی آن باز کرد.

عکس‌العمل نیروهای تشکیل دهنده اکثریت در مجلس سوم، یگانه حرکتی نبود که در قبال سیاست دولت مبنی بر جلب سرمایه‌های خارجی در جامعه مشاهده شد. روزنامه رسالت که می‌توان آن را همچون ارگان جناحی دانست که اکثریت کرسی‌های مجلس را در انتخابات چهارم از آن خود ساخت نیز در این زمینه از ابراز نظر کوتاهی نکرد. مهمترین تفاوت این دو موضع‌گیری در این بود که نویسندگان روزنامه رسالت بر نیازهای واقعی ای که اتخاذ یک چنین سیاستی را الزامی کرده بود، چشم نهوشیدند. احمد توکلی، دبیر سرویس اقتصادی این روزنامه در طی‌گردی که به منظور بحث بر سر دعوت از سرمایه‌داران ایرانی خارج از کشور تشکیل شده بود، ارقام دقیقی را که نشانگر گستره این نیاز بود، ارائه داد. به گفته او «کل سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی طی سال‌های گذشته روند نزولی داشته است و طی سال‌های ۶۳... ۶۷ از ۷۷۰... به ۲۹۴ میلیارد ریال رسیده است. معنای آمار مذکور این است که ایجاد اشتغال و ظرفیت تولید کاهش یافته است. در سال ۶۲ درآمد ارزی کشور ۲۴/۲ میلیارد دلار بود که ۱۰۰ پانزده میلیارد صرف هزینه‌هایی نظیر خوراک شده است، در آن هنگام جمعیت کشور ۴۵ میلیون نفر بود، در حالی که در حال حاضر ۵۷ میلیون نفر می‌باشد، اگر کمبود سرمایه برای ساخت و ساز زیربنای اقتصادی، علاوه بر دریافت اعتبار در پروژه‌های خاص از طریق بازگشت متخصصین و سرمایه‌داران ایرانی مقیم خارج تأمین نشود، این کمبود چگونه باید جبران گردد؟ آفایانی که با بازگشت مخالفت می‌کنند چه راه حلی ارائه می‌دهند؟^{۱۸} با عنایت به این احتیاج بود که روزنامه رسالت به پشتیبانی از این دعوت پرداخت و ضمن تکرار مخالفتین، این پرسش را مطرح کرد که «اگر امر دایر شد بین دادن اجازه سرمایه‌گذاری به یک ایرانی یا یک اجنبی، باید اجنبی را انتخاب کنیم؟^{۱۹}، و اینکه اگر شرایطی ایجاد شد که ایرانیانی را که در خارج پول و سرمایه و تخصص خود را به هر دلیل داخلی و خارجی برای استحکام کفر و استکبار به کار گرفته اند... برگردند، باید فریاد برآوریم ارزش‌های انقلاب از دست رفت؟^{۲۰} و سرانجام اینکه «اگر ایرانیانی که در خارج مقیم هستند، دارای سرمایه بوده، ضد انقلاب اسلامی هم نباشند، چرا نباید در داخل کشور کارخانه و کارگاه احداث کنند تا تولید مملکت افزایش یابد و... به جای دولت خارجی، دولت ایران از آنها مالیات اخذ کند و سود حاصل از فعالیت‌ها در داخل کشور به کار انداخته

مهمترین ویژگی برنامه دولت این بود که به ایرانیان در هر جای دنیا که باشند به چشم هموطن می‌نگریست.

واقعیت این بود که علاوه بر درک نیازهای کشور، موضع رسالت به نفع اقتصاد آزاد و تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و همچنین مخالفت‌های وی با دولتی کردن تجارت و صنعت، دست او را برخلاف سلام برای پشتیبانی از طرح دولت مبنی بر دعوت از سرمایه‌گذاران ایرانی خارج از کشور، باز می‌گذاشت، در عین حال و علیرغم اینکه این افراد با اصل استفاده از سرمایه‌های خارج از کشور مخالفتی نداشتند و چه بسا آن را مفید به حال کشور می‌دیدند، سعی کردند تفاوت‌های دیدگاه خود با دولت را هم در روش و هم در اجرای این برنامه، روشن کنند. در واقع در

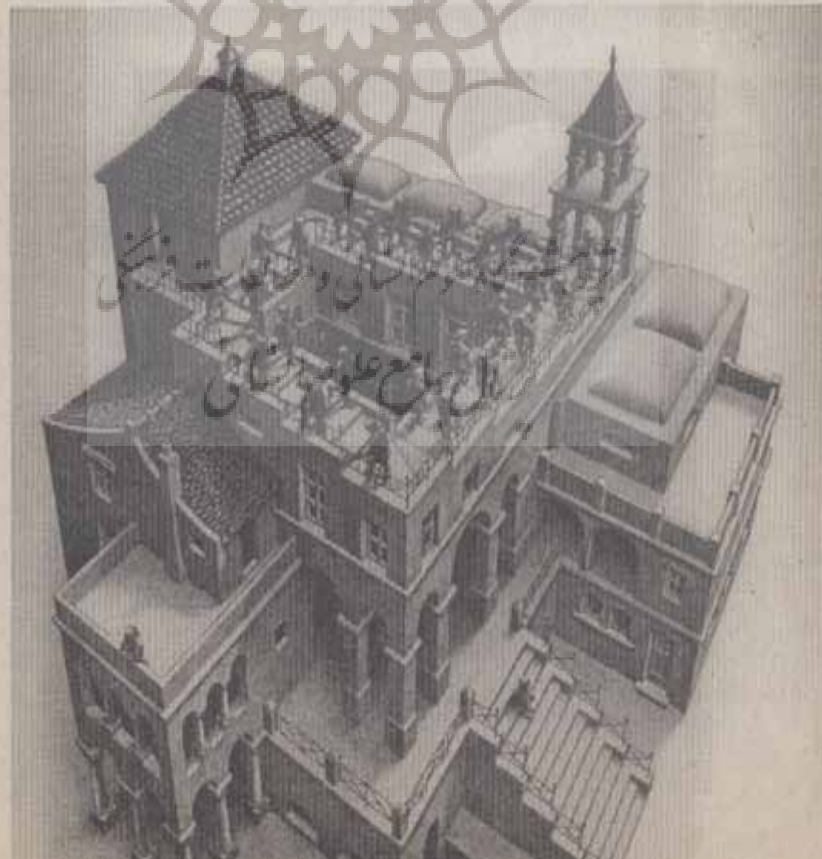
یکی از اولین مقالاتی که رسالت به این موضوع اختصاص داد، مدیر مسئول آن در سرمقاله‌ای با عنوان «مهمتر از بازسازی اقتصادی»، سعی کرد به روشن‌ترین وجهی دیدگاه انتقادی این طیف را نسبت به این موضوع بازگو کند. به نظر رسالت نمی‌بایست «طوری عمل کرد که رسانه‌های غربی و بعضی مطبوعات تازه به دوران رسیده داخلی فرصت یابند مجموعه نظام را زیر سوال ببرند و تردید و بدبینی در بعضی نیروهای حزب اللهی به وجود آورند و مطرح کنند که قرار است خیامی‌ها و لاجوردی‌ها و... بازگردند»^{۲۲}. رسالت یکی دوبار دیگر به شکلی مستقیم و غیر مستقیم این مطلب را با دولت در میان گذاشت^{۲۳} و خود نیز سعی کرد در عمل نشان دهد که چگونه می‌توان هم سرمایه‌داران ایرانی خارج از کشور را دعوت به بازگشت و سرمایه‌گذاری در ایران کرد و هم این مسئله را یادآور شد که «دعوت از ایرانیان مقیم خارج به این معنی نیست که آنها میراث‌خوار انقلاب باشند و یا آقا بالاسر متخصصینی که در دوران سخت در خدمت کشور بوده‌اند»^{۲۴}. اما به نظر می‌آید که توفیحاتی که گهگاه یکی از وزرای دولت^{۲۵} و نیز شخص رئیس جمهور^{۲۶} در این زمینه‌ها ارائه کردند، کتاب انتقارات رسالت را نداد. فایده آنجا که علیرغم موضع‌گیری آشکار این نشریه در دفاع می‌چون و چرا از رئیس جمهور و نیز مخالفت شدید آن با تمامی کسانی که کمتر می‌توانست به سیاست‌های اعلام شده از طرف دولت در این دوران داشته‌اند، خود از طرح انتقادات خویش پشیمان نزد به

نظر آنها «این که مسئولین دولتی برای عملکرد درست خود هیچگونه حرفی برای افکار عمومی ندارند... و یا تصویری از نوع ارتباط سالم و صادقانه با مردم ندارند منشأ بسیاری از شایعات و ضایعات می‌گردد. متأسفانه همین ضعف، منشأ قدرتی شده است برای گروهی که از هر آبی ولو پاک و زلال ماهی بگیرد»^{۲۷}.

لب کلام رسالت این بود که دولت باید «در زمینه بازگشت ایرانیان خارج از کشور و مغزها و سرمایه‌ها به داخل... تدبیر ویژه‌ای بنماید که انتقال متخصص و ایرانیان خارج عاری از انتقال

ویژگی دیگر
برنامه دولت
این بود که برای
برطرف کردن
نیازهای کشور،
نه راه
سخت‌گیری و
اعمال ممنوعیت،
بلکه طریق «لغو
ممنوع الخروج»
بودن و نیز
«عفو عمومی» را
پیش کشید.

فرهنگ ابتدال به داخل کشور و ترویج آن باشد^{۲۸}، یعنی در واقع همان حرفی که سلام می زد. اما واقعیت این بود که برگزاری «نشست بازرگانان ایرانی مقیم خارج» خود یک تدبیر بود، تدبیری برای برطرف کردن بخشی از نیازهای عاجل کشور به سرمایه و از قضا در فضای حاکم بر آن دوران، تدبیری بس «ویژه». از مهمترین ویژگی های آن یکی این بود که پس از مدت ها سعی شده بود به ایرانیان در هر کجای دنیا که باشند به چشم هموطن بنگرد و سیاستی را پیش بکشد که «همه ایرانیان مقیم خارج به کشور بازگردند»^{۲۹}. ویژگی دیگر، آن بود که به افراد نه فقط به خاطر آنچه در این سال ها در کشور انجام داده بودند، ارج می نهاد بلکه برای کاری که می توانستند در آینده برای مملکت بکنند، نیز اهمیت قابل بود؛ ویژگی دیگر آن این بود که «افرادی که ... دنیا را می خواهند» نیز دعوت می کرد که «بیاید اینجا درآمد کسب کنید و به مردمتان خدمت کنید»^{۳۰}؛ یعنی اینکه می توان دنیا را خواست و به مردم هم خدمت کرد. و سرانجام ویژگی آن این بود که برای برطرف کردن نیازهای کشور، نه راه سخت گیری و اعمال ممنوعیت بلکه بالعکس طریق «لغو ممنوع الخروج بودن» و نیز «عفو عمومی»^{۳۱} را برگزیده بود. البته وجود افرادی همچون آن ایرانی صاحب سرمایه ای را که در بخش صنایع تلفنی و لوازم خانگی صاحب تجربه بود ... و از اقدام نمایندگی جمهوری اسلامی در نیویورک برای برپایی گردهمایی تشکر کرد نمی توان نادیده گرفت. فردی که علیرغم ممنوع



الخروج بودن در ایران و نیز علیرغم اینکه بخشی از اموالش هم مصادره شده بود، اعلام کرد: «اینجا به این نتیجه رسیدم که برای کمک به ایران و هموطنانم باید به ایران بروم و می‌روم، اما نه بخاطر بازیس گیری اموالم، بلکه برای مشارکت در پیشبرد اقتصاد ایران و شرکت در امر توسعه کشور»^{۳۲}. اما مطمئناً تعداد این افراد به حدی نبود که بتواند نیاز کشور به سرمایه را برآورده سازد.

بدین ترتیب، اگر تدبیری هم بود، همان بود که دولت می‌رفت تا مقدماتش را فراهم کند، اما در طریق آن با دو مانع روبرو شد: مانع اول، مخالفت کسانی بود که به نظر می‌رسید نه از الزامات بازسازی اقتصادی و اولویت‌های آن آگاهی چندانی داشتند و نه از دلیل انزوای سیاسی خویش در جامعه. برای این گروه، مخالفت با برنامه جلب سرمایه‌های ایرانی خارج از کشور به شعاری سیاسی در کنار سایر شعارهایی تبدیل شد که به علت فقدان پیوند مشخص اجتماعی، حتی خود توانستند از آن بهره‌ای سیاسی ببرند و قدرت بسیج‌کننده آن در اختیار رقیب اصلی‌شان قرار گرفت. مانع دوم انتظارات برآورده ناشدنی گروه دیگری بود که علیرغم استیاب صحیح از نیازهای کشور به سرمایه و نیروهای متخصص، حاضر به قبول مقدمات آن یعنی تضمین امنیت مالکیت خصوصی و ثبات روابط حقوقی در جامعه، نبودند. در واقع نیز دفاع این گروه از مصادره اموال در سال‌های اول انقلاب معنایی جز فراخواندن به ادامه اقداماتی فراسر قانون نداشت. در مقابل این دو گروه، دولت که از پشتیبانی نیروی سیاسی مستقلی برای ابتکارهای اجتماعی و اقتصادی خود برخوردار نبود، چاره‌ای جز کژدار و مریز و عاقبت عقب نشینی نداشت.

عده‌ای افراد بیش و کم گمنام به فراخور حسن نیت و تمایل نعلبندی از سفرا و کنسول‌های جمهوری اسلامی ایران، گذرنامه برای بازگشت به کشور گرفتند و عده‌ای دیگر نیز بیشتر به اتکال روابط شخصی و دوستی‌ها و آشنایی‌ها تا تضمین دولت، خطر کردند و آمدند؛ و علیرغم تمامی خط و نشان‌ها که کشیده شد، سرانجام نیز مزاحمتی برای کسانی که آمدند، ایجاد نشد. اما چندان کسی هم سرمایه‌ای نیاورد و هم مجموع سرمایه بازگشت ایرانیان مهاجر، اگر کمی نتیجه که ناتمام و بلا تکلیف ماند. بلا تکلیفی‌ای که پیرو کشمکش‌هایی از این دست که بر شمرده شده بر سایر برنامه‌های دولت در بسیج تمامی ایرانیان برای بازگشتی به نیازهای کشور در دوران بازسازی سایه افکند. برنامه تعدیل اقتصادی، واگذاری کارخانه‌ها و شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، تعمیم و گسترش آزادی‌های جامعه مدنی از جمله مهمترین این برنامه‌ها بودند. مشکل از آنجا ناشی می‌شد که علیرغم بروز آشکار اختلاف عقاید و نقطه نظرات پیرامون چگونگی حل معضلات کشور و سربرآوردن نیروهای سیاسی با مواضع متفاوت، همزیستی همین شمار محدود نیروها نیز بر اساس تراز معین قدرت صورت گرفت. حال آنکه آنچه به آن نیاز بود و هست، همزیستی نیروهای سیاسی جامعه بر اساس پذیرش متقابل و همگرایی بر سر اصول و قواعدی است که ضامن منافع ملی و پایداری کثرت‌گرایی در جامعه باشد. تا این به دست نیاید، نه از محدودیت ناظر بر نیروهای سیاسی جامعه کاسته می‌شود و نه بلا تکلیفی از جامعه رخت برمی‌بندد.

یادداشت‌ها

- ۱- روزنامه سلام که بعدها این موضوع را بطور مستمر دنبال کرد و در مدت سه ماه بیش از ۲۰ مقاله به آن اختصاص داد، در هفته‌های اول به رادیوی بی‌بی‌سی فارسی زبان و رادیو صدای آمریکا به عنوان یگانه منبع خبر دکیه دارد. ن. ک. سلام، گزارش رادیو لندن پیرامون اظهارات آقای عادل‌ی در جمع تجار ایرانی در خارج از کشور، دوشنبه ۷۰/۲/۱۶ و همچنین سلام، گزارش B.B.C از نشست بازرگانان مقیم خارج از کشور با مقامات ایرانی، چهارشنبه ۷۰/۲/۲۵.
- ۲- گزارش B.B.C از ...، سلام، ۷۰/۲/۲۵، ص ۱۰.
- ۳- توجه به کدام ایرانیان، نیازمند یا ...، سلام، همانجا.
- ۴- همانجا.
- ۵- دعوت از سرمایه داران فراری دقیقاً نقطه مقابل تفکر امام است، سلام، پنج شنبه ۷۰/۳/۹، ص ۳.
- ۶- بیانیه مجمع روحانیون مبارز به مناسبت دومین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، به نقل از سلام، یکشنبه ۷۰/۳/۱۲.
- ۷- همانجا.
- ۸- دعوت سرمایه داران، یک اتمام حسی لیک یا روزیای شیطان، سلام، ۷۰/۳/۱۹، ص ۲.
- ۹- همانجا.
- ۱۰- به بهانه دعوت از سرمایه داران فراری، ۱ و ۲، سلام شماره های ۱۳ و ۱۵، ۷۰/۳/۲۳ و ۷۰/۳/۲۶.
- ۱۱- به بهانه دعوت از سرمایه داران فراری، (۶)، سلام، ۷۰/۳/۱۶.
- ۱۲- همانجا.
- ۱۳- به بهانه دعوت از سرمایه داران فراری، (۷)، سلام، ۷۰/۳/۱۸.
- ۱۴- سلام، نگاهی به یک تجربه سیاسی، مراد تقی، گفتگو، شماره ۳، ص ۳.
- ۱۵- عوارض بازگشت سرمایه داران، (۱۳)، سلام، ۷۰/۵/۹۳ (سخنان دکتر عباسی بواد، استاد دانشگاه).
- ۱۶- همان، (سخنان حجت الاسلام علوی).
- ۱۷- همان، (سخنان سید علی افجه ای).
- ۱۸- مناظره کارشناسان اقتصادی پیرامون بازگشت متخصصین و سرمایه داران ایرانی مقیم خارج، رسالت، ۷۰/۲/۶، ص ۵. (سخنان احمد توکلی، سردبیر اقتصادی روزنامه رسالت).
- ۱۹- تغییر در سیاست اقتصادی، محمد کاظم ایلارویی، رسالت، ۷۰/۳/۱۱، ص ۸.
- ۲۰- همانجا.
- ۲۱- بدون کار و تولید، تنها فقر بین مردم توزیع خواهد شد، (سخنرانی احمد توکلی در جمع مدیران و کارگزاران کارخانه لیکینه)، رسالت، ۷۰/۳/۱۸، ص ۵.

- ۲۲- «مهمتر از بازسازی اقتصادی»، سید مرتضی نبوی، رسالت، ۷۰/۲/۲۶، ص ۱۶.
- ۲۳- به عنوان مثال ر.ک. به تذکر روزنامه رسالت به توریختن در خانمه چاپ مصاحبه ای از او در مورد اینکه صلاح بود وی مشخصاً شایعه بازگشت خیامی و لاجوردی و ... را تکذیب کند. «توسط دکتر توریختن وزیر امور اقتصاد و دارایی؛ دلایل دعوت نیروهای متخصص خارج از کشور تشریح شد». رسالت، ۷۰/۳/۲، ص ۳.
- ۲۴- «حجت الاسلام و المسلمین موحیدی ساوجی در جمع طلاب حوزه علمیه شهید شاه‌آبادی»، رسالت، ۷۰/۳/۱۰.
- ۲۵- از جمله د. ک. به توضیحات وزیر امور اقتصاد و دارایی، رسالت، ۷۰/۳/۲ و نیز «پاسخ دکتر ولایتی به سوالات دانشجویان در کرمان»، رسالت، ۷۰/۳/۴.
- ۲۶- مصاحبه با هاشمی.
- ۲۷- تغییر در سیاست اقتصادی، پیشین.
- ۲۸- «مهمتر از بازسازی اقتصادی»، پیشین.
- ۲۹- «پرسش و پاسخ رئیس جمهور با دانشجویان در میدان بزرگداشت استاد مطهری»، رسالت، ۷۰/۲/۱۶.
- ۳۰- «رئیس جمهور در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی»، رسالت، ۷۰/۳/۱۲.
- ۳۱- رئیس جمهور چندین بار به طور شفاهی و یکبار مکتوباً به اینکه مسئله عضو عمومی در دستور کار شورای امنیت ملی قرار گرفته است، اشاره کرده است. ک.ک. «روزنامه رئیس جمهور از اربعه منطقه، خلق سلاح خاورمیانه و اهم رویدادهای داخلی - حجت الاسلام هاشمی رئیسی در خطبه های نماز جمعه»، رسالت ۷۰/۲/۲۲.
- ۳۲- «توریختن در جمع صاحبان صنایع، بانکداران، بازرگانان و اقتصاد دانان ایرانی سیاست های اقتصاد جمهوری اسلامی را تشریح کرده»، رسالت، ۷۰/۲/۱۲، ص ۱۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 کتابخانه ۸۷
 پرتال جامع علوم انسانی